

پایان عصر خردگرایی؟



احمد غلامی

بن‌بست سیاسی‌ای که دولت و جناح‌های سیاسی در آن گرفتار شده‌اند و لاینحل به نظر می‌رسد، چیزی نیست مگر تغییر پارادایم. دولت و نهادهای وابسته به آن و دیگر نهادهای رسمی که وابستگی‌ای به دولت ندارند، اعتنایی به این تغییر پارادایم ندارند و می‌اندیشند این دوره نیز همچون دوره‌های دیگر به پایان خواهد رسید و بیش از هر چیز باید سیاست صبر و انتظار را پیشه کرد. البته این رویکرد چندان جای تعجب ندارد؛ چراکه دولت سیزدهم و جناح‌های وابسته که متأثر از تفکرات چپبه پایداری هستند، چندان به واقعیت موجود جامعه گردن نمی‌نهند. با تساهل می‌توان گفت نگاه آنان به سیاست بیش از آنکه عمل‌گرایانه یا ناشئت‌گرفته از واقعیت‌های سیاسی اجتماعی موجود باشد، مبتنی بر نگاه ایدئولوژیک آنان است. از همین منظر است که اگر تغییر پارادایمی در جامعه صورت بگیرد، دولت و جناح‌های وابسته به آن چندان اعتنایی نخواهند داشت و قویا باور دارند که قادرند با سیاست صبر و انتظار، همچون پدری که تنبیه، سرزنش و تشویق می‌کند، جامعه را همچون خمیر به شکل اول خود بازگردانند. البته اگر این اتفاق هم رخ ندهد، همین‌که جامعه اخلاقی در دیدگاه‌های ایدئولوژیک آنان ایجاد نکند، کافی است تا با یک همزیستی منفعلانه کار را پیش ببرد. سیاست صبر و انتظار جان‌مایه سیاست دولت سیزدهم و جناح‌های سیاسی آن است که پایداری‌ها در آن دست‌یالا را دارند. با این اوصاف بعید است آنچه به‌عنوان تغییر پارادایم نام برده می‌شود، در عملکرد و تصمیم‌گیری آنان اثری داشته باشد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت آنان تلاش خواهند کرد به نگاه سلبی و حذفی خود مجال بروز ندهند تا شکاف‌ها و گسل‌های به‌وجودآمده را فعال نکنند. اما برای بسیاری دیگر ازجمله اصلاح‌طلبان این تغییر پارادایم خوانه‌خواه محسوس است. اگر چه آنان به معنای واقعی این تغییر پارادایم را درک نکرده‌اند و هنوز درصددن از طریق گفتمان اصلاح‌طلبی و تغییر در شیوه‌های نظرورزانه دوباره این گفتمان را راهبردی کنند. حتی اپوزیسیون خارج از کشور نیز تلاش می‌کند تا گفتمان خود را به‌عنوان گفتمان دوران طلایی که نشئت‌گرفته از اتناگونیسیمی ساختگی بین سلطنت و جمهوری است، بر افکار جامعه مسلط کند. غافل از اینکه دیگر عصر گفتمان‌ها به سر رسیده است و نمی‌توان به کلان‌روایت‌هایی که می‌خواهند خود را به‌عنوان گفتمان جا بزنند امیدوار بود. اگر بپذیریم که وارد عصر دیجیتال شده‌ایم، ناگزیریم تن به این معادله بدهیم که «دنیا» جای گفتمان را خواهد گرفت. ما دیگر با گفتمان‌ها روبه‌رو نیستیم بلکه با پدیده‌ای به نام «سامانه اطلاعاتی» روبه‌رو هستیم که هم زمان و هم جامعه را آمیزه کرده است. دیگر زمان، معنای گذشته و حال و آینده را ندارد. زمان در حال محض سبوری می‌شود و مردم از حال به آینده نمی‌روند بلکه از حال به حالی دیگر قدم می‌گذارند و زمان معنای عمیق خود را از دست داده است. «رژیم اطلاعاتی» (information regime) بر جامعه مسلط شده است. درواقع به گفته یونگ‌چول هان، دیگر «کنش ارتباطی» هابرماس قادر نیست در بین افراد یک جامعه رابطه بین‌الذهانی ایجاد کند و جامعه در محاصره اطلاعاتی است که توسط خود مردم تولید و مصرف می‌شود. این شرایط در جهان توسعه‌یافته منجر به منسوخ‌شدن جامعه انضباطی شده است. اما در کشورهای درحال‌توسعه با آشنایی که مره گنر از جامعه انضباطی به رژیم اطلاعاتی است، روبه‌رو هستیم. دولت‌ها دیگر قادر نیستند با رویکرد انضباطی جامعه را کنترل کنند و از طرفی دیگر درک درستی نیز از فضای به وجود آمده ندارند. مصلحان جامعه نیز همچنان بر خردگرایی و گفتمان‌سازی تأکید دارند. عصر «خردگرایی» افول کرده است و مردم به‌ندرت به استدلال‌های منطقی گوش فرا می‌دهند؛ چراکه در عصر «خردگرایی دیجیتاله» (Digital Rationality) آنچه مهم است انزگداری است. اینکه چه کسی یا چه جبرانی قادر است بیشترین اثر را از طریق گوشه‌های هوشمند بر کاربران داشته باشد. شاید دونالد ترامپ رئیس‌جمهور این عصر باشد. او کم‌خردی است که از طریق خردگرایی دیجیتال خطری بالقوه برای دموکراسی در آمریکا و جهان محسوب می‌شود. اگر جهان توسعه‌یافته با پدیده «رژیم اطلاعاتی» و «خردگرایی دیجیتال» علیه دموکراسی به پا خاسته است، کشورهای درحال‌توسعه در میان آشوب گنر به این عصر، ناکام از تجربه دموکراسی به انقیاد سرمایه‌داری جهانی درخواهند آمد، آن‌هم نه با زور بلکه با میل و رغبت مردم. نماد این فضای آشوبناک را می‌توان در یکی از تبلیغات شهری در خیابان‌ها و بیلبوردهای تهران به نظاره نشست؛ آنجا که روی دو چهره زن و مرد ستنی نوشته شده است: همه‌جا عکس رخ بار توان بدید.

• برای نوشتن این یادداشت از کتاب «Infocracy» یونگ‌چول هان استفاده شده است.

<div>شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳</div>
۲۶ رمضان ۱۴۴۵
۲۶ آوریل ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۰۳
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:
وکیل سعید مدنی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد؛ نگران وضعیت «سعید مدنی» در زندان دماوند هستیم • امروز تشییع داودنژاد برگزار می‌شود



راهپیمایی روز قدس و تشییع پیکر شهدای راه قدس برگزار شد

از طوفان الاقصی تا طوفان الاحرار

مقام معظم رهبری بر پیکر شهدای حمله تروریستی اسرائیل نماز خواندند

عکس پتنام‌تانی،ایران

تلاش برای کشاندن ایران به جنگ، هم با تحقیر هم با تشویق



مهرداداحمدی شیخانی

ملل و تن‌ن‌دادن عراق به این اخطار، تلافی متشکل از ۳۵ کشور به رهبری آمریکا در سال ۱۹۹۱ میلادی تشکیل شد و به عراق حمله کرد. با این حمله بود که عده‌ای از سیاستون آن زمان کشورمان، که عموماً به گرایش سیاسی چپ در آن ایام تعلق خاطر داشتند، سخن از این گفتند و اصرار بر این داشتند که به سباق طالبان، به کنسولگری ایران و این بار در دمشق حمله کرده و ایرانیانی را به شهادت رسانند، در همراهی با آتانی که در خارج نشسته‌اند و به «فارسی» ولی با سیاستی «عبری»، زبان به تحقیر و تمسخر گشوده‌اند که ایران می‌ترسد تا با اسرائیل در بیفتد، اینان از این می‌گویند که «باید جواب اسرائیل را تا خشم مقدس ایرانی‌ها وجود دارد بدهیم». این روش تحقیر و تشویق هم دامی دیگر است که سعی می‌کند با این ترفند که ایران را بااتلاق آمریکا می‌کنیم، حاکمیت را تهییج به پانه‌سان در تله جنگ کند. اما غلغلانی که ایران را در حمایت این سال‌ها از غلنبدین به جنگی دیگر حافظ بوده، همچنان بر کشور حاکم است. غلغلانی‌که خردمندانه وقوف دارد که حتی اگر ایران باتلاق آمریکاییان شود، این ایران است که باتلاق خواهد شد و نه آمریکا.

یادداشت

سعید مدنی؛ پژوهشگر مرجعی که نباید در بند باشد



سیدحسین سراج‌زاده

دکتر سعید مدنی یکی از پژوهشگران جدی و پربار درباره مسائل اجتماعی ایران است که آثار علمی او (مقاله و کتاب) در زمره کارهای مرجع برای دانشگاهیان، اهل اندیشه و کارشناسان و مدیران کشور بوده است. متأسفانه به خاطر محدودیت‌های مغایر با معیارهای آکادمیک در نظام دانشگاهی ایران، او هیچ‌گاه نتوانست به عنوان یک عضو هیئت علمی مشغول شود، با آنکه از شایستگی علمی و اخلاق حرفه‌ای بالایی برخوردار بود و برخی از آثار پژوهشی‌اش منحصربه‌فرد و برای اهل علم و پژوهش مرجع هستند. با وجود این، مدنی با اعتقاد عمیق به کارهای علمی و پژوهشی برای شناخت مسائل و مشکلات جامعه و استفاده از آنها برای بهبود شرایط کشور، علیرغم همه محدودیت‌هایی که داشته، با شکیبایی و آرامش به کار علمی خود ادامه داده و در این مسیر، هم از ظرفیت‌های نهادهای رسمی استفاده کرده است و هم از ظرفیت‌های نهادهای مدنی؛ به گونه‌ای که در سابقه کارهای علمی او، از یک طرف سربدیری فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی با صاحب‌امتیازی دانشگاه علوم بهزیستی ایران و اجرای طرح‌های پژوهشی ملی در حوزه مواد مخدر و اعتیاد برای ستاد مبارزه با مواد مخدر دیده می‌شود و از سوی دیگر، فعالیت در نهادهای علمی مدنی مثل انجمن جامعه‌شناسی ایران و مؤسسه رحمان (رشد، حمایت، اندیشه) که سازمان‌های داوطلبانه مردم‌نهاد هستند. حاصل این فعالیت‌های علمی و پژوهشی کتاب‌هایی درباره مسائل کودکان (کودک‌آزاری در ایران، آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران، خشونت علیه کودکان در ایران)، تن‌فروشی (جامعه‌شناسی روسپی‌گری، بررسی آسیب‌های اجتماعی روسپی‌گری)، اعتیاد در ایران، جامعه مدنی و کرونا، وضعیت توسعه انسانی در ایران، ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران است. ویژگی برجسته همه این آثار این است که صرفاً نظری نبوده و مبتنی بر داده‌های میدانی است که با حضور و مشارکت میدانی وی فراهم آمده‌اند. این موضوعات همه در زمره مسائل و مشکلات اجتماعی اصلی و اولویت‌دار جامعه ایران است و در نتیجه، می‌توانند برای شناخت و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای کاهش آنها بسیار راهگشا باشند. از کارهای برجسته دیگر سعید مدنی، مدیریت یک طرح علمی جمعی است که با نام «گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۰-۱۳۸۸)» در مؤسسه رحمان انجام شد. در این طرح بیش از ۲۰ نفر از دانشگاهیان و صاحب‌نظران برجسته علوم اجتماعی مشارکت داشتند. این اثر پژوهشی گران‌سنگ که با رویکرد توسعه‌محور انجام شده است، تصویری از تحول ۲۳



گفت‌وگو با محمد حمزه‌ای

به بهانه اکران آنلاین «کاپیتان»

اکران آنلاین با قاچاق فیلم

تفاوتی ندارد

برگزیده‌ها

قیطریه؛ پارکی به قدمت تاریخ

تصمیمات یک شبه و سلیقه‌ای برای پارک محبوب

گزارش «شرق»

از درگیری‌های استان سیستان و بلوچستان

«شرق» علل تقویت پول ملی افغانستان را بررسی می‌کند

شگفتی‌آفرینی افغانی

جنگ نامتقارن حکومت پکن

غذای جهان زیر دست کمونیست‌ها

برای عادل حرام برای بقیه حلال

فعالان بازار از رکود سنگین و تغییر شغل

بسیاری از نمایشگاه‌داران خودرو خبر می‌دهند

توقف معاملات خودرو

یادداشت

جنوب شرق و امنیت ملی



سید محمود حسینی

گروه بنیادگرای موسوم به جیش‌العدل پس از عملیات نظامی– انتحاری روز چهارشنبه ۱۵ فروردین ماه در شهرستان‌های چابهار و راسک، بیانیه‌ای با رویکرد جدید با توجه به سابقه این گروه (البته همراه با گرافه‌گویی) صادر کرده که با ماهیت این جریان افراطی متباین است. ادبیات این بیانیه، فراتر از ظرفیت فکری و سیاسی این گروه مسلح بوده و گفتمان آن داعیه توسعه منطقه‌ای دارد. آنها خود را حامی منافع ملی نشان داده‌اند که در نوع خود جدید است. چگونه جریانی بنیادگرا و خشونت‌طلب می‌تواند توسعه‌گرا باشد و چه نسبتی با منافع ملی دارد؟ این گروه نظامی عقیدتی، سعی کرده در این بیانیه ضمن بزرگ‌نمایی ابعاد تشکیلاتی و عملیاتی خود، از برنامه استراتژیک سخن به میان آورد. در ادبیات این بیانیه کوشیده موضع دیپلماتیک نسبت به کشورهای هند، چین و روسیه اتخاذ کند. به نظر می‌رسد، گفتمان بیانیه مذکور که با سابقه و تفکر این جریان ناسازگار است، توسط دیگران و با هدف نمایش قدرت، جلب افکار عمومی مردم منطقه، تهدید جمهوری اسلامی و اثبات خود برای جلب حمایت خارجی بیشتر و ترغیب حامیان منطقه‌ای و جهانی است، اما از اهداف بیانیه‌نویسان جلب افکار عمومی مردم منطقه، با توجه به زمینه‌های موجود است. لازم به ذکر است که طرح توسعه سواحل مکران، فاقد استراتژی معلوم بوده و دستاورد ملموسی هم نداشته است. مردم منطقه مکران هم نسبت به این طرح، ابهام داشته و غالباً دید مثبتی به آن ندارند.